

تاثیرگذاری فقه اسلامی در فناوری های نوظهور با تاکید بر اندیشه مراجع تقلید شیعه

محمودرضا محمد دوست

چکیده

سرعت بالای تحولات پیچیده فناوری های نوظهور، از دنیایی جدید برای تسخیر ذهنیت بشر پرده بر می دارد؛ دنیایی که جوانب مختلف زیست فردی و اجتماعی را در بر خواهد گرفت و بر آنان تاثیر ویژه خواهد داشت. این پدیده می تواند بر موضوعات دینی (اعم از نهادها، مسئله ها، راهکارها و...)، مخصوصا علم دست یابی به احکام شریعت یعنی «فقه» تاثیر گذار باشد؛ لذا بی تفاوتی در پاسخگویی و تحلیل درست موضوعات جدید فقهی، تهدیدهایی را ایجاد خواهد نمود و فقه را دچار نوعی انزوا خواهد کرد، همچنین آمادگی برای مدیریت آینده این فناوری ها، فرصت نقش آفرینی برای مسئولیت تاریخی فقه خواهد داشت. به این سبب، مساله اصلی این تحقیق بررسی تاثیرگذاری فقه اسلامی در فناوری های نوظهور با تاکید بر اندیشه مراجع تقلید شیعه است. از اینرو این نوشتار با هدف فهم صحیح متخصصین متعهد، از الزامات تمدنی فناوری های نوین، نگارش شده تا با آینده پژوهی دقیق، امنیت اعتقادی و رفتاری، پویایی فقه اسلامی، در امان نگه داشته شود. نتیجه آنکه، «فناوری های نوظهور» همانطور که می تواند در تسریع و تدقیق فرآیند اجتهاد و ارتقاء آن موثر باشد، همچنین می تواند با ظاهرگرایی و حکم سازی دست یابی به احکام دینی را دچار چالش نماید تا جایی که می توان گفت عدم جواز به کارگیری آن ها به عنوان فتوا دهنده، از اتقان بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه: فناوری های نوظهور، فقه، مراجع تقلید، فرصت ها و چالش ها.

مقدمه

سیطره گسترده و غیرقابل انکار رسانه به گونه ای تمام زوایای فضای واقعی زندگی بشر را در کنترل خود قرار داده است، به گونه ای که چشم انداز انسان امروز با رسانه تغییر و بلکه معنا پیدا می کند. از این رو فضای رسانه؛ محیط زندگی انسان، بلکه میدان ذهنیت سازی و قدرت نمایی آرزوهای او می باشد. رسانه انسان هوشمندی است که انسان آن را خلق کرده و تازه نفس ترین بازیگر این جهان گردیده است. فناوری های نوظهور روز به روز با هدایت بزرگترین شبیه سازی تاریخ بشر در حال تعیین نسبت ها می باشد و پیش بینی می شود در آینده نه چندان دور، با فرهنگ سازی و رفتار سازی، تغییرات شگرفی در شیوه های حکمرانی و راهبری در همه ابعاد زندگی بشر ایجاد نماید.

فناوری های نوظهور مثل متاورس، میکروسوزن ها (برای داشتن تزریق بدون درد)، هواپیماهای الکتریکی، شیمی خورشیدی، محاسبات فضایی و... توانسته از مرحله جستجوی لفظی به جستجوی معنایی گذر کند و در این رهگذر، ابزارها و ارزش های افزوده متنوعی جهت استفاده محققان و پژوهشگران تولید و ارائه

نماید. با کمک هوش مصنوعی دستیابی به بسیاری از پیشرفت‌های گذشته بشر تسریع می‌شود. در آینده نزدیک دارنده‌های تکنولوژی هوش مصنوعی حکمرانان مهم دنیا خواهند بود و این پدیده سبک زندگی جدیدی برای انسان‌ها در اعتقادات و اخلاق و احکام ایجاد خواهد کرد. حتی ممکن است ماشین‌هایی تولید شود که قابلیت استدلال و رزی و استنتاج بر مبنای منطق را داشته باشند (بهرامی، ۱۳۹۹: ۹).

با پیشرفت‌های چشمگیر و روزافزون سطوح کاربردی فناوری‌های نوظهور، عملکردی شبیه عملکرد ذهن انسان دارند که در آینده نزدیک، این قرابت عملکردی بیش از پیش خواهد بود و در حل بسیاری از معضلات و خواسته‌های پیچیده بشر، نقش آفرینی موثری خواهد داشت.

همچنین فناوری‌های نوظهور می‌تواند در حل مسائل مختلف اجتماعی مانند کاهش فقر، بهبود نظام سلامت، و مدیریت منابع طبیعی، بهبود دانش و آموزش‌های مرتبط با ادیان، تسهیل برخی از مسائل دینی مانند ترجمه متون مقدس، تفسیر آیات قرآنی، و ارائه فتاواها به کمک روش‌های پیشرفته مانند پردازش زبان طبیعی و تحلیل داده‌های بزرگ مفید باشد.

فناوری‌های نوظهور می‌تواند برخی از مشکلات را که با روش‌های سنتی غیرقابل حل تلقی می‌شد حل کند و نشان‌دهنده فرصتی جدید برای بهبود زندگی انسان از نظر محاسباتی است. فناوری‌های نوظهور را می‌توان به عنوان مثال برای بهبود سیستم‌های امنیتی و ایمنی، مانند ردیابی وسایل نقلیه دزدیده شده یا شناسایی اشیاء و... استفاده کرد. فناوری‌های نوظهور همچنین می‌تواند به گسترش و تسریع دامنه اکتشافات علمی و فناوری کمک کند و راه را برای پیشرفت‌های جدید در بسیاری از زمینه‌ها باز کند.

فناوری‌های نوظهور به دلیل ظرفیت‌های جدیدی که در توصیف، تحلیل و کنترل رفتار انسان ایجاد می‌کند و از طریق تأثیرات شگرف و شگفتی که بر زیست فردی و اجتماعی انسان دارد، سبب می‌شود که پرسش‌های جدیدی درباره نسبت این پدیده‌ها با اهداف دین ایجاد کند. پس می‌تواند نقش مهمی در تسریع تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کرده و در ایجاد یک جامعه پویا، پیشرفته و متعادل تأثیرگذار باشد.

بنابراین فناوری‌های نوظهور امروزه در جوامع ما جایگاه فزاینده‌ای در تغییر همه چیز را به خود اختصاص داده و به همین دلیل بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. البته امکان پردازش حجم عظیم اطلاعات تولید شده، هم فرصتی برای ایجاد دنیای درخشان جدیدی از امکانات هیجان‌انگیز بی‌پایان و هم تهدیدی برای کشاندن جامعه بشری به ویرانشهری وحشتناک است. زیرا ضمن آن که در مقدمات حل مسأله کمک فراوانی به فقیه انجام می‌دهد، از بسیاری از قوای شناختی انسان تقلید می‌کند، تا جایی که برخی از افراد به سبب تحمیل اختلالات مختلف این تکنولوژی به جامعه انسانی نگران آینده آن شده‌اند. خطراتی

مثل اینکه یک انسان چگونه در جامعه، فعال باقی خواهد ماند، چه کاری می تواند انجام دهد، و خروجی فناوری های نوظهور تا کجا پیش خواهد رفت.

فناوری های نوظهور انقلابی بزرگ در حوزه توسعه و تعمیق امنیت و قدرت ملی کشورها، خصوصا در بخش علوم دینی ایجاد خواهد نمود. بلکه شاید بدون استفاده از آن، عمق لازم در مطالعات دینی، انجام نخواهد گرفت، در آینده نزدیک کشور ما مثل بقیه مصرف کنندگان این فناوری، چالش های جدی را تجربه خواهد کرد. ضمن آن که عقب ماندن از این ضرورت اجتناب ناپذیر نیز می تواند ضررهای زیادی داشته باشد. فقه به عنوان تئوری اداره حیات و نظام زندگی انسان ها در قبال چنین هیولائی که بزودی با تخیلات فانتزی بشر را درگیر خواهد کرد، می بایست آماده پاسخگویی به مسئولیت تاریخی خود باشد و گرنه در تعاملات با دنیا دچار انزوای جدی خواهد شد. به همین سبب رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخبگان و استعداد های برتر علمی، از «هوش مصنوعی» به عنوان یک مسئله مهم و آینده ساز نام بردند و با اشاره به تجربیات کشورهای مختلف دنیا در توسعه هوش مصنوعی تأکید کردند:

«این مسئله در اداره آینده دنیا نقش دارد و باید به گونه ای عمل کنیم که ایران جزو ۱۰ کشور برتر هوش مصنوعی در دنیا قرار بگیرد» (رهبر انقلاب، آبان/ ۱۴۰۰).

آغاز فعالیت ستاد راهبری فناوری های هوشمند حوزه علمیه، برگزاری همایش های مختلف با عناوین هوش مصنوعی و علوم اسلامی و... بخشی از اقداماتی بوده که تاکنون برای آمادگی در مواجهه با هوش مصنوعی انجام شده است که یقینا گسترش آن به امنیت بیشتر باورهای اسلامی کمک خواهد نمود.

به هر حال با پیشرفت فناوری های نوظهور و حداقل بزرگ نمایی قدرت افسانه ای آن، سوالاتی مطرح می شود که:

فناوری های نوظهور چگونه می تواند از فقه فعال و تأثیرگذار پشتیبانی کند؟

فقهاء، مسلمان چه استفاده ای از فناوری های نوظهور خواهند کرد؟

آیا فناوری های نوظهور می تواند فتوا دهد؟

آیا فناوری های نوظهور سبب می شود ما از مرجع تقلید بی نیاز باشیم؟

هرچند پاسخ به پرسش های بالا فراتر از مقصود نوشته ما می باشد، اما تا حقیقت و ماهیت فناوری های نوظهور تبیین نشود، پاسخ به کارآمدی آن دشوار خواهد بود. برای پاسخ به چگونگی مواجهه فقهاء، ابتدا لازم است مفهوم هوش مصنوعی، بازشناسی شود.

مفهوم شناسی هوش مصنوعی

هوش مصنوعی، ماشین های هوشمندی است که توانایی انجام وظایفی که نیازمند به هوش انسانی است را داشته باشد. هوش مصنوعی در حقیقت نوعی شبیه سازی هوش انسانی برای کامپیوتر است و منظور از هوش مصنوعی در واقع ماشینی است که به گونه ای برنامه نویسی شده که همانند انسان فکر کند و توانایی تقلید از رفتار انسان را داشته باشد (مشبکی، ۱۳۷۹).

مطابق تعاریف مشهور، مقصود از هوش مصنوعی پیاده سازی، شبیه سازی و همانند سازی تقریبی هوش طبیعی انسان توسط ماشین است. یا به تعبیر دیگر هوش مصنوعی؛ سامانه ای است که می تواند محیط اطراف خود را درک کرده و سپس یک تصمیم هوشمندانه مبتنی بر آن درک پیشین اتخاذ نماید. به عبارت دیگر فرآیندهای هوشمند انسانی نظیر شبیه سازی فرآیندهای تفکری و شیوه های استدلالی انسانی و پاسخ موفق به آنها و یادگیری و توانایی کسب دانش و استدلال برای حل مسائل توسط ماشین می باشد. مجموعه ای از تکنیک ها و ابزارهایی که از محاسبات و برنامه نویسی برای نمایش و شبیه سازی هوش انسان استفاده می کند (مینایی، ۱۳۸۴: ۳).

بنابراین هوش مصنوعی انسان‌واره‌هایی می‌باشد که ساختار تفکر و اندیشیدن دارند. هوش مصنوعی قرار است توانمندی‌های شناختی انسان را تقلید کرده و در مرحله بعد در اجرای این توانمندی‌ها از انسان سبقت بگیرد. این بدان معنا نیست که هوش مصنوعی خود هوشمند و دارای ادراک می‌باشد، بلکه صرفاً قرار است همچون یک موجود هوشمند رفتار کند.

فرصت‌های هوش مصنوعی برای فقه:

حال که به کارگیری هوش مصنوعی در بخش‌های مختلف زندگی به ضرورتی غیر قابل انکار تبدیل شده است، برای قضاوت در باره کارائی آن، ابتدا باید امکانات هوش مصنوعی شناسایی شود. هوش مصنوعی مزایای فراوانی از جمله استفاده بهینه از وقت، دقت در تحلیل اطلاعات، کاهش خطای انسانی، دسترسی همیشگی، ریسک پذیری بالا، شناخت موضوعات فقهی جدید، جستجوی تاریخی، کشف پیش فرض های فقهی گذشته برای کمک به وصول به نتیجه و سرعت در تصمیم‌گیری دارد.

هوش مصنوعی می‌تواند ثمرات فراوانی در مسیر اجتهاد داشته باشد. هوش مصنوعی می‌تواند علاوه بر محافظت از گنجینه ارزشمند منابع دینی و فقهی، تبیین، تفسیر و ترجمه آن به زبان‌های مختلف، در پژوهش‌های فقهی و اسلامی به عنوان یک ابزار کمکی مورد استفاده قرار گیرد. از مثال‌های این کاربرد می‌توان به استخراج اصول و مبانی، تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده فقهی، پیدا کردن تفاوت‌ها و تطابق‌های میان متون مختلف فقهی، و استخراج اطلاعات مفید برای محققان، تولید مقالات، کتب، و

مطالب فقهی و اسلامی بر اساس نیازهای مخاطبان اشاره کرد (صاعدرازی، ۱۴۰۰: ۴۸۰؛ قایمی نیا، ۱۳۸۵: ۳۶).

یکی از کارویژه‌های هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد، جمعیت، یکپارچه‌سازی و تنظیم اطلاعات مستقل و غیرمستقل [خام و ترکیب‌شده] بر اساس موضوعات مختلف است؛ هوش مصنوعی در جمعیت بالاترین قدرت را از خود نشان خواهد داد؛ یعنی هوش مصنوعی هم می‌تواند اطلاعات خام را مهیا و تنظیم کند و هم می‌تواند اطلاعات ترکیب‌شده را بر اساس موضوعات مختلف به فقیه ارائه دهد؛ به گونه ای که بعید است هوش بسیاری از افراد به پای هوش مصنوعی برسد (رک: سایت شبکه اجتهاد).

از سوی دیگر جمعیت اطلاعات از مقدمات لازم و اصلی در اجتهاد است. زیرا مجتهد نیاز به حجم عظیمی از اطلاعات دارد، در فقه لایه‌ها و وجوه استدلالی پیچیده‌ای شکل یافته، تحلیل و فهم گزاره‌های فقهی در گرو فهم دقیق عناوین و قرائن متصل و منفصل است؛ اگر فقیه به‌طور دقیق موضوع را نداند و موضوع را ناقص ببیند، حکمی که می‌دهد مربوط به موضوع ذهنی اوست؛ نه موضوع بیرونی و واقعی اجتماعی؛ به همین جهت وقتی که حکم بر اجتماع عرضه می‌شود؛ ممکن است اثر عکس را به دنبال داشته باشد؛ پس باید فقیه به کمک هوش مصنوعی فرآیند اجتهاد را تسریع بخشد و در مسیر رسیدن به حکم، مسیر را گم نکند و یقیناً حجم اطلاعات هرچه قدر گسترده و بیشتر باشد، احتمالات بیشتر می‌شود و حکم به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود (سلمانیو، ۱۴۰۲: ۲۶۵).

کاربرد بعدی تکنولوژی هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد، پاسخگویی به مسائل و کشف احکام موضوعات مربوط به تکنولوژی هوش مصنوعی است. فقیه باید موضوعات و موضوع‌شناسی را مسلط شود که کار دشواری است؛ چون در این موضوعات منابع دخیل زیاد هستند، منابع لازم‌الرجوع نیز باید زیاد باشد؛ پس مجتهد نیاز به حجم عظیمی از اطلاعات دارد؛ و هوش مصنوعی می‌تواند بخشی از اطلاعاتی که باعث روشن شدن موضوع – به‌خصوص در موضوعات اجتماعی – برای فقیه می‌شود را برای او روشن کند، اگر هوش مصنوعی همین یک فایده را داشته باشند کفایت می‌کند.

کاربرد مهم تکنولوژی هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد، تنظیم اطلاعات در بحث اجتهاد می‌باشد که مثلاً مطلق و مقید را تعیین می‌کند. یا تنسیق و کنارهم نهادن مجموعه اطلاعات رجالی، موضوعی و فقهی و به نتیجه رساندن آن برای دستیابی فقیه به حکم الهی. روشن است که تنسیق نهایی با مدیریت هوش انسانی انجام می‌شود که فقط انسان‌ها می‌توانند تشریع را بفهمند، زیرا ارتکازات شرعی و عقلایی مختص فقیه است که یا از تتبع و یا از فطرت انسان‌ها برمی‌خیزند و این وضعیت، فرایندی ایجاد می‌کند که انسان زبان تشریع را بفهمد پس در این قسمت هوش مصنوعی از هوش انسانی کمک می‌گیرد.

پس یکی از کاربردهای کلیدی تکنولوژی هوش مصنوعی در مراحل مختلف فرآیند، کاربرد مجتهدیاری است؛ بدین معنا که این فناوری کمک کار فقیه در مسیر استنباط احکام الهی است و می‌تواند به عنوان دستیار در کنار فقیه ایفای نقش مشورتی داشته باشد. به همین سبب وقتی مبنا و قاعده به آن داده می‌شود، می‌تواند مثلاً تغییرات و تناقضات در فتاوی مختلف فقیه را استخراج و گوشزد کند تا فقیه خلاف مبنای خود استنباط نکند (ر.ک: سایت شبکه اجتهاد).

تطبیق احکام شرعی در مواجهه با تکنولوژی، ترجمه و تحلیل دقیق و سریع متون دینی، تفکیک مبانی، یادآوری اشتباهات، توسعه روش‌های جدید برای استفاده از هوش مصنوعی برای تفسیر مسائل فقهی، تشخیص ذائقه مخاطب، پر شدن شکاف اطلاعاتی، شکاف احتمالاتی، شناخت موضوعات معاصر و ترکیب کردن و پیوند دادن بین اطلاعات؛ از دیگر فرصت‌های هوش مصنوعی در دستیابی به مدلول‌هایی متناسب با سطح فهم فقیه هست (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۷۹).

در کل، می‌توان هوش مصنوعی را به عنوان امکان جدیدی برای تسهیل، تسریع و تدقیق در فرآیند اجتهاد و ارتقاء کیفیت زندگی و حل مسائل اجتماعی دانست که در فرض مدیریت و کنترل آن با قوانین و دستورالعمل‌های موثر اخلاقی و دینی به کمک فقها خواهد آمد تا با مسائل جدید ناشی از پیشرفت فناوری روبرو شوند و از فرصت‌های جدیدی که این فناوری ارائه می‌دهد برای بازنگری در مکانیسم صدور فتوا و نیز ترویج سبک اجتهاد گروهی به عنوان راهکار مقابله با بحران فتوا بهره‌مند شوند. اما برای این اتفاق، نیاز به همکاری و تلاش مشترک علمای دین و محققان فناوری می‌باشد.

چالش‌های فقه با هوش مصنوعی:

هرچند که استفاده از هوش مصنوعی در فقه و فتوای فقها می‌تواند پیشرو بوده و مزایایی داشته باشد، اما فقهای مسلمان به عوارض و چالش‌های احتمالی آن در آینده نیز توجه داشته‌اند. نسبت به این پرسش که: هوش مصنوعی چه امکاناتی را از ما خواهد گرفت؟؛ برخی از اندیشمندان نسبت به چهره متفاوت هوش مصنوعی در در موقعیت‌های مختلف هشدار داده‌اند و بلکه اعلام خطر کرده‌اند، حتی افرادی مانند استیون هاوکینگ؛ فیزیکدان معروف، مدعی شدند که ممکن است با گسترش انفعال و مرعوب شدن در برابر هوش مصنوعی، دنیا جنگل مدرنی شود که نسل بشر به پایان خود برسد (فارس نیوز، ۱۴۰۲، ۲۰۲، ۱۴۰۲؛ مدیریت دانش و نوآوری ۱۴۰۱: ۲۵).

چنان‌که پاپ فرانسیس در پیام خود برای پنجاه و هفتمین روز جهانی صلح به تأثیر هوش مصنوعی بر صلح جهانی اشاره کرده و از جامعه بین‌المللی خواست که یک معاهده بین‌المللی الزام‌آور برای توسعه و استفاده از آن تنظیم کنند. وی تصریح کرده است: "ماشین‌های سخنگو" هرگز نمی‌توانند دارای "روح" باشند، بنابراین پیشرفت‌های فناوری باید به گونه‌ای اتفاق بیفتد که از "تغییر شکل انسان" جلوگیری

شود. سطحی از روابط انسانی فراتر از زبان وجود دارد که شامل عواطف، میل و قصد می‌شود و تنها انسان‌ها می‌توانند به لطف خداوند این مبادلات همدلانه را به روابط مثبت و سودمند با دیگران تبدیل کنند. فن‌آوری‌های جدید باید همیشه در راستای پیگیری صلح و خیر عمومی و در خدمت توسعه یکپارچه افراد و جوامع باشند. رهبران جهان اطمینان حاصل کنند که پیشرفت در توسعه انواع هوش مصنوعی “در نهایت در خدمت برادری و صلح بشری خواهد بود. از یک طرف، اگر این پیشرفت‌ها به نظم بیشتر در جامعه بشری و مشارکت برادرانه و آزادی بیشتر کمک کند، می‌تواند به بهبود بشریت و دگرگونی جهان منجر شود. از سوی دیگر، پیشرفت‌های فنی-علمی، به‌ویژه در حوزه دیجیتال، “گستره وسیعی از گزینه‌ها را در دست انسان قرار می‌دهد، از جمله برخی از گزینه‌ها که ممکن است برای بقای ما خطر داشته باشند و جهان مشترک ما را به خطر بیندازند (ایسنا، ۱۸، ۵، ۲۰۲۰).

برخی از فقهای مسلمان به چالش‌ها و مسائل اخلاقی و فتاوی‌های فقهی که با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و هوش مصنوعی همراه است، توجه کرده‌اند، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دقت و اعتمادپذیری: برای تفسیر و صدور فتوا بر اساس متون فقهی، نیاز است که هوش مصنوعی بتواند متون را به درستی مطالعه و تحلیل کند. هوش مصنوعی به کمک مجموعه اطلاعاتی بزرگی کار می‌کند که در حالت ایده‌آل اجازه ارزیابی اشتباه را به‌صورت بهینه‌تر امکان‌پذیر می‌کند. این ممکن است با محدودیت‌هایی همچون مفهوم‌پذیری نامناسب و قابلیت مطالعه محدود متون فقهی همراه باشد. تفسیر مفاهیم دینی و اصول فقهی نیازمند دانش عمیق و تجربه فقهی است که ممکن است هوش مصنوعی به آن نخواهد رسید. یکی از چالش‌های اصلی استفاده از هوش مصنوعی در فقه، دقت و اعتمادپذیری آن است. ممکن است این سامانه‌ها نتایجی نادرست یا ناقص تولید کنند که می‌تواند به عدم اعتماد به آن‌ها منجر شود (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۳).

۲. فهم مفاهیم فقهی: هر چند مراجعه به هوش مصنوعی، رجوع جاهل به عالم هست، اما درک و تفسیر مفاهیم پیچیده و متنوع فقهی، برای یک سامانه هوش مصنوعی ممکن است سخت باشد. زیرا شأن استشراق و دریافت حکم شرعی، مقوله‌ای فوق هوش مصنوعی قوی است که انسان به اندازه انس با فطرت، در فهم تشریع موفق خواهد شد زیرا زبان شارع مبتنی بر زبان فطرت انسانی است و ماشین هرگز نمی‌تواند به آن دست یابد،

مخاطب دستورات فقهی رهبران دینی انسان هست یا ابزار؟

آیا انسان در استنباط احکام موضوعیت دارد یا طریقیّت؟

اگر موضوعیت داشته باشد، هوش مصنوعی کافی نیست؟

اگر طریقیّت داشته باشد آیا هوش مصنوعی مثل انسان می‌تواند فتوا بدهد؟

هوش مصنوعی چگونه می‌تواند ارتکازات عقلایی در فقه را درک کند؟

ماهیت اجتهاد قطع و اطمینان معتبر است چنان که آیات قرآن برایین اساس وعده و وعید داده است. لذا خداوند تشریع و تفسیر نصوص را براساس ظن و گمان و ارتکازات عقلایی، محل داوری قرار داده است و ظن و گمان هم فقط در انسان رخ می‌دهد و نه ماشین؛ البته ظن و گمان هم مقطعی نیست و فرایند دائمی دارد و این کار انسان است نه هوش مصنوعی. در فرض که هوش مصنوعی، ارتکازات فقها را در آرای آنها درک کند، قرائن لبیه یا ادله غیر لفظی را نخواهد توانست درک کند.

بنابراین به نظر می‌رسد هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین فقها شود و در عرصه اجتهاد به تنهایی حکم دهد و به حکم شرعی برسد و انشاء حکم نماید، زیرا حکم را باید ذی روح بدهد. اجتهاد باید از هوش بشری عبور کند و نتایج هوش مصنوعی نیز باید در نهایت از همین مسیر عبور کند. فقیه باید مذاق شارع را درک کند، این موضوع را هوش غیرانسانی درک نمی‌کند. این مذاق، خاصیتی انسانی است. ضمناً شارع مقدس قول فقها را حجت قرار داده، ولی ابزار را حجت قرار نداده، مگر اینکه یقین آور باشد. بنابراین در استفاده از هوش مصنوعی در فقه و فتواها باید به دقت و احتیاط انسانی توجه شود و همواره نظارت و تأیید از سوی علمای متخصص لحاظ شود.

بر فرض که فتوای هوش مصنوعی مفید اطمینان منطقی یا عرفی باشد، پرسش مهم این است که آیا اطمینان حاصل شده، مانند اطمینانی که از علوم غریبه مانند جفر و رمل حاصل می‌شود نیست؟ که اگر باشد حجت نیست (رک: متقی، ۱۴۰۱).

۳. حفظ حریم خصوصی و اطلاعات شخصی: استفاده از هوش مصنوعی در فقه ممکن است با خطراتی همچون تهدید آزادی‌های فردی، نقض آزادی‌های مدنی و حریم خصوصی با ایجاد حجمی از اطلاعات نادرست، گسترش شایعات و جعل اسناد شبه واقع و انتشار اطلاعات شخصی مربوط به مؤمنین و افراد پاکدامن حرمت آن‌ها را مخدوش کند، که با روح دیانت منافات دارد؛ از این رو نیاز به راهکارهای مناسب برای حفاظت از این اطلاعات را ایجاد می‌کند.

۴. تحولات اخلاقی: همواره مطرح است که چگونگی استفاده از هوش مصنوعی در فقه و فتواها نیازمند توجه به اصول و ارزش‌های اخلاقی و معنوی است، به طوری که فتواها و تحلیل‌های ارائه شده توسط هوش مصنوعی، با ارزش‌های دینی و اخلاقی سازگار باشند. هوش مصنوعی می‌تواند به مسائل اخلاقی پیچیده‌تری منجر شود، برای مثال، در زمینه تصمیم‌گیری در تراحامات اخلاقی و فقهی و تعیین مسئولیت در صورت وقوع خطاها معلوم نیست هوش مصنوعی بتواند نظر درست شرعی را پیدا نماید (مینایی، ۱۳۸۴: ۷).

۵. تعیین حکم شرعی برای فناوری‌های جدید: بسیاری از فناوری‌های هوش مصنوعی، مانند رباتیک و بیوانفورماتیک، مسائل جدیدی را برای فقها ایجاد کرده است که نیازمند تعیین حکم شرعی می‌باشد. پرسش‌های فقهی ناشی از هوش مصنوعی: مثلاً، آیا یک ربات می‌تواند شهادت دهد؟ یا آیا ربات‌ها می‌توانند به عنوان وارثان موروثی شناخته شوند؟ این نوع پرسش‌ها نیازمند تحلیل دقیق فقهی هستند. با توجه به چالش‌های فوق، استنباط حکم خدا از منابع اسلامی مقوله‌ای پیچیده، گسترده، حساس، دقیق و عمیق می‌باشد که علاوه بر شناخت جامع و کامل از اسلام، نیازمند آگاهی از رفتار و نیاز امت اسلامی است، تا فقیه متقی با استنباط درست به وسیله متقن‌ترین نتایج دست‌یافته، پاسخگوی نیازهای امت اسلامی باشد.

داده‌های هوش مصنوعی معیار نیست، چون زمانی می‌تواند معیار باشد که حجیت داشته باشد. زمانی می‌تواند حجیت داشته باشد که مُدرک باشد، هوش مصنوعی مُدرک نیست. هر چیزی با اختیار انسان در مقام اجتهاد منافات پیدا کند شرعاً پذیرفته نیست. مثلاً اگر بین دو نظر اختلاف شود، هر دو نظر نتیجه‌ای متفاوت می‌دهد و داده‌های هوش مصنوعی نمی‌تواند معیار نهایی برای تشخیص درستی آن باشد. هوش مصنوعی نهایتاً می‌تواند در مقام دستیار مجتهد کمک کند اما حرف آخر را فقیه می‌زند.

۶. کنترل توسط قدرت‌های سیاسی اجتماعی: گسترش بی‌رویه هوش مصنوعی به اهداف و منافع صاحبان و توسعه دهندگان آن و به موقعیت‌هایی که در آن به کار خواهد رفت مرتبط است که می‌تواند به تمرکز ثروت و قدرت در دست عده معدودی بینجامد. هوش مصنوعی براساس برنامه سفارشی که به آن داده می‌شود عمل می‌کند، اختیارش در دست فقیه نیست و هر مجموعه‌ای می‌تواند، آن را طراحی کند و براساس اهداف کلانی که دارد، به دین‌پژوهی و استنباط دین بپردازد و نتایج نادرست ارائه دهد و چه بسا عملاً سبب تضعیف و تزلزل اعتقادات مردم و انتقال احکام نادرستی شود که به جامعه دینی آسیب وارد نماید. چه بسا برای مرجعیت دینی هوش مصنوعی، می‌توان ابعاد خطرناک تری در ایجاد بحران فقهی هم تصور نمود، به گونه‌ای که ارزش‌های استعماری و منفعت‌محور غرب را جایگزین روش فقه‌پژوهی کند. حتی ممکن است برخی که در حوزه استنباط تخصص کافی را ندارند، اظهار نظر کنند و این ابزار دستاویزی شود که هر فردی خیال کند با استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند نظر فقهی اسلام را به دست آورد.

حتی استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند در کنترل دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ سیاسی یا در اختیار تبهکاران برای کنترل نارضایتی‌ها قرار گیرد و با دستکاری در مبانی و مصالح شرعی، جامعه را به صورت ناخودآگاه به سوی افزایش اسلام‌هراسی و استبداد فکری سوق دهد. می‌تواند ضمن نیازسنجی، نیازسازی انسان‌ها را به دست گیرد و با مدد هوش مصنوعی به مدیریت هوش طبیعی انسان‌ها بپردازد و آدمیان را بازیچه سازد و جبر اجتماعی رسانه‌ای پدید آورد. مردم در این الگو مشارکت حداکثری کنند، اما

با میل خود، ظلم و فساد و اسارت را پذیرا شوند. فرهنگ بی حیایی و برده‌گی مدرن را با تخیل و نسبی‌گرایی و تناسخ‌هویتی بپذیرند.

" آیا دستگاهی که بیشتر امکان انتخاب بین گزینه‌های مشکوک را در اختیار قرار می‌دهد واقعاً مفید است؟"

۸. مسئولیت ناپذیری هوش مصنوعی: هوش مصنوعی اراده‌ای ندارد تا در برابر داده‌های خود، مسئولیت‌پذیر باشد. مسئولیت متوجه کاربر است؛ نه خود هوش مصنوعی. بنابراین چون مسئولیت‌پذیر نیست، حجیت ندارد؛ یعنی اعتماد بر برون داده‌های هوش مصنوعی، انسان را در برابر خدا معذور نمی‌کند و فقیهی که با تکیه بر داده‌های هوش مصنوعی، حکمی فقهی صادر کند، حکمش نه برای خودش حجت است و نه برای دیگران. او در برابر خداوند مسئول است و معذور نیست که ادعا کند من با اعتماد به هوش مصنوعی حکم فقهی صادر کرده و یا فتوا داده‌ام. ضمن آن که عدالت بر فرضی مطرح می‌شود که انسان باشد، در حالی که گناه در هوش مصنوعی، سالبه به انتفاء موضوع است (ر.ک: سایت شبکه اجتهاد).

فضای هوش مصنوعی فضای تنوع‌طلبانه‌ای است. در فضای هوش مصنوعی، انسان احساس «بی‌مکانی و عدم تعلق به مکان خاصی» و «فقدان هویت» می‌کند و اساساً نمی‌داند به کجا تعلق دارد و برای چه به این دنیا آمده است و لذت، عنصر اصلی هوش مصنوعی خواهد بود؛ به خاطر تنوعی که هوش مصنوعی ایجاد می‌کند. او کم‌کم احساس تعلق فرهنگی را از دست می‌دهد و به سمت سبک زندگی خاصی می‌رود. فرهنگ والا و فرهنگ عامه در این سبک زندگی، جابه‌جا و مخلوط می‌شود. هنر والا دیگر چندان مفهومی ندارد. فقط تنوع مفهوم دارد. فرم بر محتوا غالب می‌شود (صادقی، ۱۳۹۷: ۷۱؛ کنعانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۶).

عدم دقت مطلوب در تفسیر متون، عدم درک اصول فقهی و شرایط ویژه، امکان وارد کردن خطاهای ماشینی، حکم‌سازی، ظاهرگرایی، سردرگمی ادراک افراد از دانش و هوش معنوی، از بین رفتن برخی شغل‌ها با تعدیل نیرو، بیکاری گسترده، تشدید شکاف‌های طبقاتی، آسیب به روان کاربران، افزایش تبعیض، تنبلی، فریبکاری، کنترل اجتماعی، سلب فرصت تفکر، سلب حریم خصوصی، تأثیرات روانی و اجتماعی، کاهش قدرت تمرکز و حافظه، ابهام مساله مالکیت، کاهش دایره تکلیف، تضعیف ارزش‌های دینی و اخلاقی، کاهش رابطه مردم با مرجعیت دینی، تزلزل اعتقادات مردم، تضعیف و تزلزل ارتباطات انسانی مخصوصاً تضعیف صله رحم و ترویج تنهایی از دیگر چالش‌هایی است که مقاصد شریعت را مختل کند.

بنابراین هوش مصنوعی در حالی که ظرفیت‌های فراوانی برای انسان می‌تواند فراهم کند، اثرات مشکوک آن می‌تواند تکنولوژی مخرب و مضر باشد که به سلامت دنیوی و اخروی انسان آسیب برساند؛ از این

رو باید مانند پدیده‌های نوظهور و تازه که در اختیار بشر قرار داده شده‌اند، با احتیاط کامل با آن مواجه شد و انسان بر آن مسلط باشد نه اینکه اقتدار هوش مصنوعی انسان را مغلوب و منفعل کند. مدیریت آن در دست متقین متخصص باشد، در این صورت می‌توان در مقاصد و اهداف دیانت از آن استفاده کرد، اما اگر دست افراد ناصالح و غیر متخصص افتاد و بر انسان مسلط شد، به دیانت و اخلاق لطمه خواهد زد. پس عدم جواز به‌کارگیری هوش مصنوعی به عنوان فتوادهنده، از اتقان بیشتری برخوردار می‌باشد.

نتیجه

صف‌آرایی پدیده‌های پرشتاب مدرن به جهان اسلام و چگونگی مواجهه فقها با آنها، همیشه به عنوان یک مسئله جدی و قابل تأمل مطرح بوده است. هرچند تجربه گذشته، غلبه فرهنگ تکنولوژی بر زیست فردی و اجتماعی مسلمانان بوده، اما راهبرد اغلب فقهاء، تفکیک و تجزیه نقاط مثبت و منفی تکنولوژی از همدیگر و تجویز استفاده از نقاط مثبت آنها در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان بوده و هست.

فقه به عنوان عهده‌دار بیان احکام مربوط به بشر، نمی‌تواند از نفوذ فناوری غفلت کند. تعامل میان فقه و فناوری نیز فقط به بررسی فناوری توسط فقه ختم نمی‌شود، بلکه میان فقه و فناوری یک رابطه دوطرفه تجلی کرده، چراکه فقه از فناوری جدا نیست. اگر فقهاء در جامعه‌ای که از فناوری‌های نوظهور استفاده می‌کند و مناسبات انسانی را با تأثیر از آن‌ها تعریف می‌کنند، با اقتضائات و ضرورت‌های دنیای جدید سازگار شوند، جایگاه فقه و حوزه‌های علمی ارتقا خواهد داشت؛ زیرا همواره حوزه‌های علمی، قلب و مغز مردم در مباحث سیاسی اجتماعی، اقتصادی بوده است. ولی اگر فقها و حوزه نسبت به این فرآیند منفعل باشند، باید منتظر آسیب‌های جبران‌ناپذیری باشند.

از آنجایی که تغییر مقیاس به تغییر موضوع و تغییر حکم می‌انجامد، بایستی موضوع فناوری‌های نوظهور را در کلان‌ترین مقیاس یعنی الزامات تمدنی دید. وقتی مقیاس نگاه به هوش مصنوعی از فرد و خرد به رویکرد تمدنی تغییر یافت، درک از موضوع تغییر و به تبع حکم هم متفاوت می‌شود.

هرچند واکنش‌های فقهای مسلمان نسبت به فناوری‌های نوظهور متنوع بوده است و برخی نسبت به فراگیری آن در فقه هشدار داده و مخالفت‌های ایشان ناشی از مخالفت با مظاهر غربی بوده است، اما بیشتر آن‌ها با توجه به فواید پیشرفت‌های فناوری‌های مرتبط با آن مانند نقش مشورتی برای فقیه در تفحص دقیق از منابع فراوان فقه در جهت بهبود کیفیت زندگی، پزشکی، آموزش، و امکانات ارتباطی؛ فرصت‌های ابزار پر قدرت و مبهم هوش مصنوعی را بسیار بیشتر از چالش‌های آن دانسته و ضمن شناسایی پیش نیازهای خاص آن، از فواید آن در مقدمات اجتهاد و فقه‌پژوهشی، نگاه منفی انکاری یا ممنوعیت به حکمرانی هوش مصنوعی ندارند و حتی بسیاری از فقهای دین را در تکاپوی بازسازی روش مطالعات دینی و فقهی قرار داده است.

در مجموع، امکان پذیری کاربرد فقه در فناوری های نوظهور و بلکه انقلاب فقهی، در گرو فائق آمدن انسان متحول گرا و تفکرنگر بر همه نگرانی های مذکور خواهد بود، که مستلزم انجام مطالعات گسترده، نظارت و ارزیابی عمیق و دقیق فقها و تدوین پروتکل های مستحکم شرعی و فقهی دارای پشتوانه محلی، ملی و جهانی برای حفظ هویت اسلامی، رعایت اصول اخلاقی و شرعی، خدمت عادلانه به منافع عمومی و مصلحت انسانها و بهبود کیفیت زندگی آنها باشد، در غیر این صورت فرصت هوش مصنوعی می تواند تبدیل به تهدید علیه فقه و حتی اصل دین شود و به ضعف جامعه اسلامی بینجامد.

به تعبیر دیگر فناوری های نوظهور، در عین پیشرو بودن و خدماتی که می تواند ارائه کند، عوارض ناخوشایندی هم احتمالا به وجود خواهد آورد. از این رو اگر فقهای مسلمان بتوانند هوشمندانه و با احتیاط کامل با آن مواجه شده و به جای ترسیم خطوط قرمز، خطوط سبز حرکت آنها را ترسیم کنند و با مشورت از متخصصین موحد متعهد، وارد مرحله مدیریت فناوری های نوظهور شوند و طراحی نظام جایگزین، نظارت و کنترل محتوای آن را جدی بگیرند؛ منافع زیادی مانند پویایی مسلمانان با نمایش فقه کارآمد، تثبیت اجتماعی بودن دین و امنیت اعتقادی و فقهی مسلمانان را فراهم خواهند نمود.

منابع

بهرامی، محمدحسین، ضرورت کاربست هوش مصنوعی در علوم اسلامی، گفت وگو با رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ره آورد نور، پاییز ۱۳۹۹ - شماره ۷۲ (صفحه ۶ تا ۹)

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای
[www.https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

سایت شبکه اجتهاد [www/http://ijtihadnet.ir](http://ijtihadnet.ir)

سلمانیو، محمد جواد؛ طالبی علی، مریم، امکان سنجی و نحوه استفاده از هوش مصنوعی در امر اجتهاد فقیه، مطالعات حقوقی، تابستان ۱۴۰۲، دوره جدید - شماره ۳۴ (صفحه ۲۵۳ تا ۲۶۵).

صادقی، حسن، انسان در محاصره هوش مصنوعی، نامه اتاق بازرگانی، اسفند ۱۳۹۷، شماره ۱۲۱ (صفحه ۶۵ تا ۷۱)

صاعدرازی، محمد، هوش مصنوعی چه تحولی در فقه و اصول ایجاد می کند؟ همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی، ۱۴۰۰، «مجموعه مقالات همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی، (صفحه ۴۶۷ تا ۴۸۰)

قاسمی، محمدرضا، هوش مصنوعی و حکمرانی آینده، حوزه، بهار و تابستان ۱۴۰۰، دوره سی و هشتم - شماره ۱۸۷ و ۱۸۸ (صفحه ۱۶۶ تا ۱۷۹)

قayمی نیا، علی رضا، دین و هوش مصنوعی، ذهن، بهار ۱۳۸۵ - شماره ۲۵ ISC (صفحه ۲۳ تا ۳۶)

قربانی، علیرضا، تأثیرات غیرمستقیم هوش مصنوعی بر برخی از احکام فقهی، همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی، ۱۴۰۰، «مجموعه مقالات همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی، (صفحه ۵۸۱ تا ۶۰۶).

کنعانی، فاطمه؛ واشقانی فراهانی، محمدامین؛ رسولیان، پریسا. تحلیل و بررسی اثرات اتوماسیون و هوش مصنوعی بر مشاغل آینده: تدبیر، زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۳۲۶ (صفحه ۷۲ تا ۸۰)

متقی، ناصر، مفهوم شناسی اطمینان عرفی، قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۱

مدیریت دانش و نوآوری دانا، معرفی کتاب؛ عصر هوش مصنوعی و آینده ما انسانها؛ شهریور ۱۴۰۱ - شماره ۱۵ (صفحه ۲۵).

مشبکی، علی اصغر، آشنائی با هوش مصنوعی و کاربرد آن در صنایع (۱)، توسعه مدیریت، ۱۳۷۹، شماره ۱۳.

مینایی، بهروز، بررسی موانع و مشکلات ایجاد سیستم خبره فقه، ره آورد نور، تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۱ (ص ۲ تا ۷).